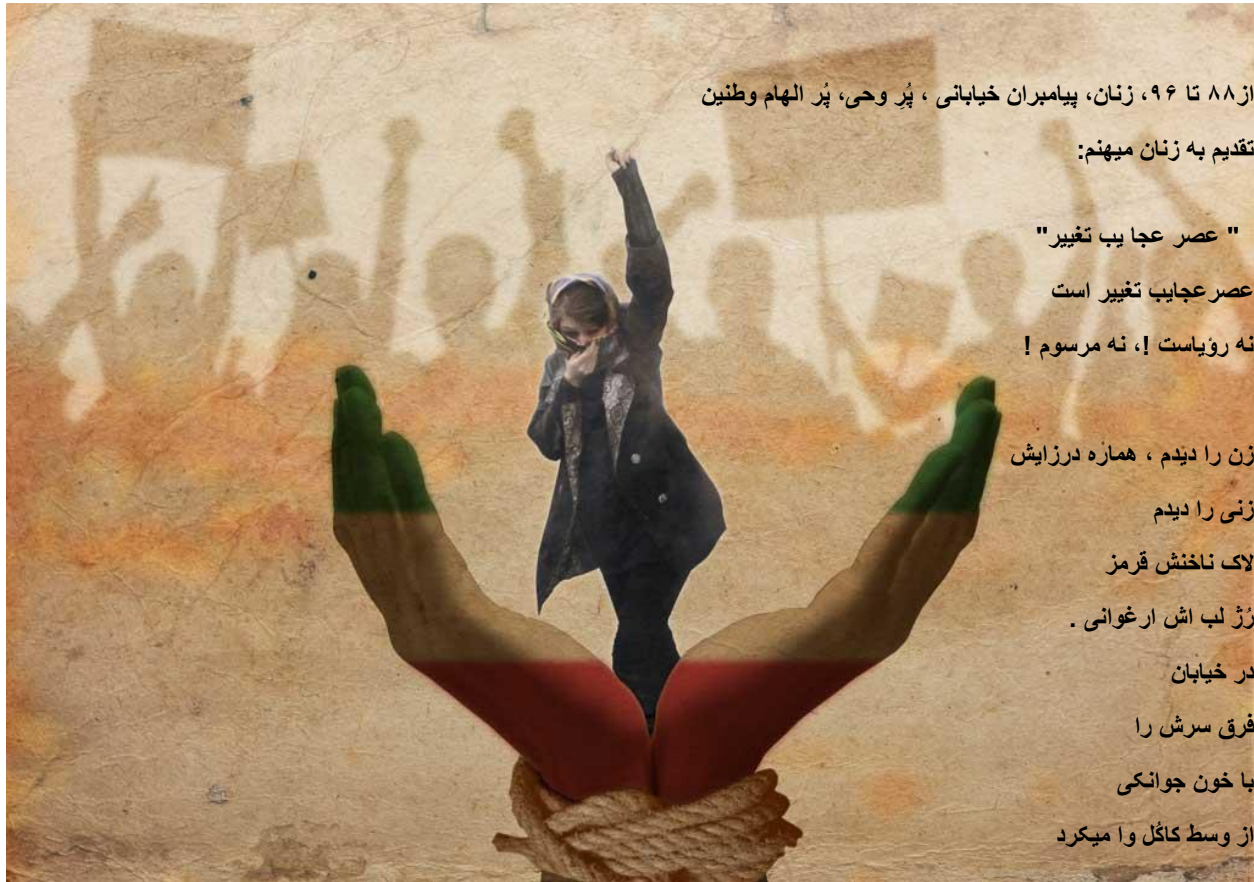


## خروش و شکوفش زنان، نماد عصر عجایب تغییر



از ۸۸ تا ۹۶، زنان، پیامبران خیابانی، پُر وحی، پُر الهام و وطنین

تقدیم به زنان میهنم:

" عصر عجایب تغییر "

عصر عجایب تغییر است

نه رویاست!، نه مرسوم!

زن را دیدم، همزه درزایش

زنی را دیدم

لاک ناخنش قرمز

رژ لب اش ارغوانی .

در خیابان

فرق سرش را

با خون جوانکی

از وسط کاکل وا میکرد

من زنی را دیدم

سُرخاب بر گونه

مشت ها هوا کرده

کیف اش پُرسنگ - چشمش پر خشم!

اشک ها و سُرُفه ها

درمیان دود و گاز

پُراتش

با تلفن موبایل - پُر وحی

من زنی را دیدم

تجدید قوا می کرد

با زبانی تشنه

از دهان پُر خونتش

رژ لب دیگری می کشید!

ارغوانی تر !!

من زنی را دیدم

شمشیر بی نیام ، از گلو رها

سفره "ترس ریخته را" درخیابان ، می گشود !

"نترسیم نترسیم - ما همه با هم هستیم"

دختری می دیدم

شیری

برون تاخته از چله کمان

و آنگاه که بایورش گله های شحنگان

معرکه پس گشت مردمان پی فرار

من زنی را دیدم

روبه مردان میگفت:

نترسید نترسید

فرار نکنید !

و در غرش تارهای صدا و طنین نهیب اش

"خود"

ایستاده بود.

من میدیدم

برپاشنه های دُخت "بی آشیل"

سرنوشت

شکست را ننوشت

من زنی را دیدم

فرشته آهن واحساس

در بزنگاه یورش ودریدن

دستهایش را در امتداد سینه ، بال گشوده

سپر "مردان" گشت

من زنی را دیدم

به مردان می گفت :

نترسید نترسید...

زنی را دیدم  
سپر یک زن دیگر میشد  
پسری داد میزد !!  
پیرزن را نزنید!  
پیرزن میگفت :  
"بچه ها" را نکشید !

زنی را دیدم  
نه - ندیدمش -!  
من شنیدم که زنی  
از زندان و زنجیر  
به کوهها می گفت : "طنین صدای ما باشید".

زنان را دیدم  
با دو بال و  
سی آرزو  
و چهار فصل رؤیا  
در موسم تغییر...

از کتاب: «من آبی سرا و سراب؟!» - سیامک نادری

کاش در کنار تان بودم. سپری میشدم!، از عشق و عواطف واشکها. رؤیا هایم را، حانلی، برنسل پیامبران خیابانی، و فرشی برای شکوفش دختران، این تن تنان میهنم....

سایت حقیقت مانا - سیامک نادری ۱۳۹۶/۱۰/۱۳

دوستان اگر ممکن است، تمام شعرا پرروی این عکس زیبا بگذارید و پیام مرا بر روی تلگرام به زنان و دختران و جوانان ایران برسانید. بیشاپیش با سیاس و درود فراوان